

معرفی رساله پیشنهادات عبدالغفار به ظل السلطان

محمدعلی هدایت^۱

مقدمه:

خوزستان سرزمین زر خیز ایران در دوره سلطنت ناصر الدین شاه و با آغاز پیدایش نفت مورد توجه بیشتر قرار گرفت و اهمیت این خطه زرخیز ابتدا توسط میرزا تقی خان «حکیم باشی ظل السلطان» مورد معرفی واقع گردید وی در کتابچه ای بنام «گنج شایگان»^۲ که نسخه منحصر به فرد آن اکنون در گنجینه نسخ خطی کتابخانه ابن مسکویه اصفهان موجود است، و در جمادی الاول ۱۲۹۹ تحریر یافته خوزستان را چنین معرفی می کند:

« عربستان گنجی است مملو از سیم و زر و خزانه ایست از هر طرف بسته و دارای دو مفتاح مفتاح خارجی و مفتاح داخلی مفتاح خارجی محمره و رود کارون است و مفتاح داخلی راههای کوهسار فی ما بین عربستان و خرم آباد لرستان و راههای بختیاری و فارس به نقاط مرکزیه ایران است...»^۳

و بنا به معرفی آن ظل السلطان عبدالغفار اصفهانی را مأموریت می دهد که برای عمران و آبادانی و تسهیل عبور و مرور اقداماتی را که بایستی انجام گردد به آن خطه مسافرت نموده و معرفی نماید.

موضوع رساله مذکور: فهرست کارهای عمرانی است که بایستی به تدریج در خوزستان و لرستان و

۱. کارشناس و مسوول گنجینه نسخ خطی اصفهان.

۲. گنج شایگان تحت عنوان گزارش سفر خوزستان به اهتمام و توسط آقای جمشید مظاهری از روی نسخه مذکور در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان دوره ۲ شماره ۳ مهر و اسفند ۱۳۷۰ معرفی و چاپ گردیده است. برای اطلاع از شرح حال نویسنده آن به کتاب سرگذشت مطبوعات ایران ج. اول صفحه ۷۵۹-۷۴۷ مراجعه نمایید.

۳. گنج شایگان ورق اول نسخه خطی.

بختیاری جهت آبادی آنها اقدام گردد و ارزیابی و حدود هزینه ساختن سد‌ها و پل‌ها روی رودخانه‌ها محاسبه و برآورد شود در بالای صفحه اول آن هنگام واگذاری به کتابخانه مدرسه متوسطه اصفهان چنین نوشته شده است:

« کتاب مختصر پیشنهاد است راجع به عربستان و لرستان آقای صارم الدوله وقف کتابخانه مدرسه متوسطه اصفهان می شود عزه ربیع الاول » که اشتباهاً به جای لرستان کردستان نوشته شده است و اکنون نسخه خطی این رساله نیز در مخزن گنجینه نسخ خطی کتابخانه ذکر شده نگهداری می شود.

رساله به خط زیبای شکسته نستعلیق نوشته دارای هشت ورق و ۱۶ صفحه در ابعاد ۲۰*۱۴ سانتیمتر در قطع رقیعی و هر صفحه دارای ۱۲ سطر با نوع کاغذ فرنگی و به شماره ۶۷۴ در دفتر ثبت گنجینه نسخ خطی اصفهان نگهداری می شود و در تاریخ ۲۶ شهر ذی حجه ۱۲۹۹ با امضاء چاکر خان زاده عبدالغفار تحریر گردیده است و به احتمال زیاد کاتب خود نویسنده یعنی عبدالغفار می باشد و برابر قرائن موجود نویسنده عبد الغفار اصفهانی است که ابتدا در دستگاه ظل السلطان در اصفهان به خدمت مشغول بوده و پس از رفتن به تهران و معلمی در مدرسه دارالفنون و خدمات دولتی در دربار ناصر الدین شاه به لقب نجم الدوله و منجم باشی مفتخر گردید و به عبد الغفار نجم الدوله معروف گشت.

بطور خلاصه در این جزوه خطی مؤلف برای استان لرستان چهار پیشنهاد، استان خوزستان یازده پیشنهاد و استان بختیاری چهار پیشنهاد ارائه می نماید که سر فصل‌های آن از قرار ذیل می باشد.

استان لرستان:

- ۱- ساختن پل یک چشمه بر روی رودخانه زال
- ۲- ساختن پل بر روی رودخانه بادرورد
- ۳- ساختن قلعه حیمره
- ۴- ساختن رباط بین خرم آباد و شهرستان دزفول

استان خوزستان:

- ۱- تعمیر پل دزفول
- ۲- تعمیر پل شوستر
- ۳- ساختن سد خاکی شوستر
- ۴- اتمام سد ناصری
- ۵- ساختن قلعه در کنار رودخانه کر
- ۶- ساختن سد جراحی
- ۷- ممانعت از فاضلاب لاجیه به رود کارون
- ۸- ساختن حمام و کاروانسرا در هویزه

- ۹- تعمیر و ساختن سربازخانه در قلعه سلاسل شوشتر
- ۱۰- رسیدگی به امور محمره
- ۱۱- بستن سد اهواز

استان بختیاری:

- ۱- احداث راههای ارتباطی بین شوشتر و اصفهان
- ۲- ممنوع کردن صادرات اسب از طریق بندر محمره و بوشهر
- ۳- ممنوع کردن اسباب و آلات و صنایع قدیمه
- ۴- حفظ و نگهداری ابنیه و بناهای قدیمی

شرح حال مختصر از مؤلف [۱۳۲۶ - ۱۲۵۹ ق]

حاج میرزا عبدالغفار (نجم الملک - نجم الدوله) منجم باشی پسر آخوند ملا علی محمد اصفهانی منجم و ریاضی دان مشهور در ذی القعدة الحرام ۱۲۵۹ ق در اصفهان بدنیا آمد وی ریاضیات قدیم را نزد پدرش آموخت و سپس ریاضیات کلاسیک را در دارالفنون تکمیل نمود و از معلمان ریاضیات عالیه آنجا شد. پس از فوت میرزا رضا نجم الملوک، منجم باشی عباس میرزا وی به سمت منجم باشی گری منصوب و ملقب به نجم الملک شد. وی همچنین سال ها به استخراج تقویم رسمی مملکت مأمور بود. او در سن ۷۱ سالگی تهران درگذشت و در صفائیه شهر ری به خاک سپرده شد.

از جمله آثارش:

- ۱- اصول جغرافیا
- ۲- آسمان در هیئت و نجوم
- ۳- اصول هندسه یا کفایة الهندسه
- ۴- بدایة الجبر
- ۵- بدایة الحساب
- ۶- بدایة النجوم
- ۷- بدایة الهندسه
- ۸- التطبيقیه (در تطبیق دو تاریخ هجری و مسیحی)
- ۹- کفایة الحساب
- ۱۰- کفایة الهندسه

از فعالیت های نامبرده می توان تهیه اولین نقشه شهر تهران در سال ۱۳۱۷ قمری که در کتابخانه ملی

کشورمان نگهداری می شود نام برد این نقشه همزمان با دستور ناصر الدین شاه در مورد گسترش شهر تهران توسط او و زیر نظر اداره انطباعات دوره ناصری منتشر شده است.

- اولین سرشماری نفوس تهران نیز توسط وی انجام گرفته

- وی همچنین صاحب کتاب اطلس تازه جغرافیایی مشتمل بر ۴۸ ورق است که در سال ۱۳۰۳ ق منتشر شده و نسخه ای از چاپ سنگی آن در بخش کتابهای خطی و نادر کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران نگهداری می شود

- یکی دیگر از فعالیت های او اینکه در زمان سلطنت ناصر الدین شاه و در موقع ساعت تحویل شمسی به برج حمل در سلام خاصی که در تالار موزه در حضور شاه و رجال منعقد می گشت او رسیدن ساعت و دقیقه تحویل را اعلام می نمود محمد حسن خان اعتماد السلطنه در یادداشت های روزانه خود (چهارشنبه ۲۶ شعبان ۱۳۰۲ ق) می نویسد: «امشب شاه بیرون شام خورده بودند و نجم الملک منجم باشی را احضار فرموده که ستاره های آسمان را نشان بدهد و نیز در ۲۱ صفر ۱۳۰۶ ق می نویسد: صبح بعد از دارالترجمه خدمت شاه رسیدم و وزراء خمسه بودند این چند روز که با این چند وزیر که عقل یک نفر را ندارند مشاوره می فرمایند می گویند به جهت سد اهواز است. حاجی نجم الملک منجم باشی که از معلمین دارالفنون است و بعضی اطلاعات از هندسه دارد اما ناقص ... مأمور به بستن سد اهواز شد تفصیلی هم در این باب امین السلطان نوشت که در روزنامه بنویسیم.

من از حالا عقیده خودم را می گویم اولاً نجم الملک مرد بستن این سد نیست البته دویست هزار تومان به گردن دولت خرج می اندازد یا کلیه سد بسته نخواهد شد و یا اگر هم چیزی ساخته شده در طغیان رود کارون معدوم می شود خلاصه به من چه»

او ابتدا در اوایل سال ۱۲۹۹ ق. برای برآورد هزینه ساختمان سد اهواز به همراه چند نفر مهندس به خوزستان رفت و پس از برآورد هزینه به تهران بازگشت. اعتماد السلطنه در یادداشت خود در ۲۰ ربیع الاول ۱۳۰۶ ق اینطور می نویسد: «قبل از نهار ولیعهد نایب السلطنه و وزراء به حضور بودند. قرار بستن سد اهواز را می دادند نجم الملک ۵ هزار تومان عجالاً خواهد گرفت و می رود.»

متأسفانه از اقدامات ذکر شده بعدی نجم الملک خبری در دست نداریم.

قابل ذکر اینکه برای سهولت نوشته ارقام سیاقی آن بصورت عددی امروزی منعکس شده است.

منابع: الذریعه- ریحانة الادب- شرح حال رجال ایران- مکارم الاثار

« بسم الله الرحمن الرحيم »

فهرست کارهائیکه لازم است بتدریج در ولایات لرستان و عربستان و بختیاری اقدام شود. هر گاه اولیای دولت ابر مدت صلاح بدانند و چاکر همه را بچشم دیده رسیدگی نموده از قرار تفصیل ذیل است مواق شرحی که در دو کتابچه برآورد سرنامه بعرض خاکپای مبارک رسانیده.

در لرستان چهار کار مختصر است:

اول- ساختن پلی یک چشمه بر روی رودخانه زال بمبلغ یکهزار تومان این رودخانه در اوقات کم آبی پر سنگ گذار خوبی ندارد معبر قافله است و ایلات لرستان در اوقات ئیلاق و قشلاق ناچار باید از آنجا بگذرند و هر سال مبلغی نفوس و اموال را وقت عبور آب میبرد.

دوم- ساختن پلی بر روی رودخانه بادرود به مبلغ یکهزار تومان این پل هم در حکم پل زال است.

سیم- ساختن قلعه حیمره که قدیم آنجا شهر و آبادی بوده نقطه معتبری است برای حفظ لرستان و مخارج قلعه اقلأ پنج هزار تومان می شود و با ینواسطه امنیت در ملک لرستان دست خواهد داد و معبر معتبری متوح خواهد شد و اسباب آبادی زیادی خواهد گردید.

چهارم- از خرم آباد تا دزفول شش و هفت منزل است و بهیچوجه در عرض آن آبادی و عمارتی نیست هر قافله و مأموری که از دیوان بخواهد از این راه عبور کند ناچار باید تمام ما یحتاج خود را تهیه نموده همراه ببرد حتی کاه و آرد و یک سبب عمده اغتشاش راه لرستان همین است. چنانچه اولیای دولت صلاح بدانند پنج و شش رباط مختصر در عرض راه بسازند بمبلغ ده و پانزده هزار تومان دور آنجا رعیت بنشانند که زراعت بکنند و اقلأ کاه و جو نانی داشته باشند برای مترددین تا به اعتبار و امنیت راه و خاک افزوده شود.

مجمل کارهای عربستان از اینقرار است:

اول: تعمیر پل عظیم دزفول است که زیاده از یکصد هزار تومان مخارج آن شده هر گاه خرابی بآن وارد آید معبر منقطع میشود و علی الحساب قریب یکهزار تومان مخارج تعمیر دارد از ساختن سنگهای بدنه اطراف پایها و بندکشی و ساختن جان پناه در طرف پل و سنگ فرش روی پل و غیره.

دویم: تعمیر پل عظیم شوشتر که در حکم پل دزفول است و در زمستان سال گذشته از یکچشمه نصفش خراب شده و تعمیرات دیگر هم دارد بهمین جهت اقلأ یکهزار و پانصد تومان میشود و این خرج از لوازم است اگر تأخیر افتد تمام چشمه خراب میشود و راه عبور منقطع خواهد شد و خسارات زیاد بدیوان اعلی وارد خواهد آمد و علاوه بر پل بزرگ مزبور دو پل دیگر در شوشتر از قدیم بوده در خارج دروازه لشکر که به سمت اهواز میرود و از راه میاناب این دو پل را یکی شاه علی گویند و دیگر لشکر که دوازده چشمه دارد و پنج چشمه اش خراب است مخارج تعمیر آنرا در حکومت مرحوم حشمت الدوله و سایر بخرج دیوان آورده اند ولی نساخته اند تعمیر هر دو پل خیلی لازم است اقلأ یکهزار و پانصد تومان میشود.

سیم: سد خاکی شوشتر است به مبلغ یکهزار تومان و اگر ساخته نشود مزرعه میان آب بیمصرف و بایر خواهد افتاد و حالا سالی پنج الی هفت هزار تومان مالیات آنجا عاید دیوان اعلی میشود بنائی که دو سال قبل

نهاده بودند سال گذشته بکلی خراب شده باید از نو ساخت مرحوم محمدعلی میرزا مبالغی آنجا صرف نموده برای جاری نمودن این شهر.

چهارم: اتمام سد ناصری نهر هاشم است بمبلغ ده هزار تومان تا حالا قریب یکصد هزار تومان دولت مخارج آنرا متحمل شده ناقص مانده و چند مرتبه آب برده و باز ساخته اند اکنون آب کرخه بهدر می‌رود وارد میشود در شط العرب و بدریا میریزد. و مالیات حویزه حالا سالی بیست هزار تومان است. هر گاه این سد ساخته شود از روی یقین و اطمینان میتوان عرض نمود که مالیات دیوان اقلأ سالی ده هزار تومان اضافه خواهد شد و هر گاه درست رسیدگی شود قابلیت بیست هزار تومان اضافه هم خواهد داشت.

با اتمام این سد ملک حویزه احیاء و آباد میشود و آن کمتر از اهواز نیست چنانچه دولت فی الجمله توجهی بآن ملک بفرمایند حویزه قابل سال یکصد هزار تومان است.

پنجم: ساختن قلعه در کنار رود کرخه نزدیک دیوان کرخه برای سکناى کریم خان عمو زاده ابو قداره و سواره یار احمدی در مقابل ایل بنی لام عثمانی که همه دزدند و اشرار و همه شب خود را میزنند به آب کرخه می آیند در این سمت قتل و غارت نموده مراجعت می کنند و بدین واسطه طول سر حد ایران کرخه خیلی مغشوش و خراب است و به ساختن یک قلعه به مبلغ چهار و پنج هزار تومان خیلی بر اعتبار و آبادی و استحکامات سر حدیه خواهد افزود این کار از لوازم است هر گاه اولیای دولت صلاح بدانند علاوه بر آن به واسطه این اغتشاش املاک سر حدیه دولت ایران متدرجاً در تصرف رعایای عثمانی رفته سابق اراضی آن سمت کرخه تا ده و پانزده فرسخ متعلق بوده است به ایران و حالا تماماً را ایل بنی لام عثمانی تصرف نموده اند قلعه جات و قنواتی که تبعه دولت و در آن سمت داشته اند و حالا بایر افتاده در این اوقات حکومت بغداد مأموری فرستاده است که تعمیر و تنقیه نماید و بتدریج متصرف می شوند و آبادانی می کنند.

ششم: ساختن بند جراحی است در خاک فلاحیه بمبلغ ده هزار تومان از فواید این سد اول افزایش مالیات آنجاست اقلأ سالی ده هزار تومان دویم خشک شدن مرداب عظیم فلاحیه است در سی و چهل فرسخ مربع که حالا مانع طبیعی بزرگی است و حصن معتبری است برای مردم شریر فلاحیه و بعد از خشک شدن این مرداب تمام آن جلگه قابل زراعت شلتوک می شود با همان آب جراحی و ملک فلاحیه خیلی آباد خواهد شد و مردمش بیشتر مطیع می شوند

هفتم: حکم محکمی از اولیای دولت به حکومت فلاحیه صادر شود که دو بازوی نهر فاضلاب فلاحیه را به سمت آب کارون در طول پنج و شش فرسخ ببندند و تعمیر کنند تا آب به صحرا نیفتد و این کار هیچ مخارج ندارد و همان رعایای و اعراب فلاحیه باید بسازند این فقره هم مزید می شود بر خشک شدن آن مرداب و باز شدن راه محمره و فلاحیه.

هشتم: ساختن یک باب حمام و یک کاروانسرا و چند باب دکان است در بلده حویزه به مبلغ ده هزار تومان تا رعایای عجم بتوانند در آنجا سکنا بگیرند و به این واسطه اسباب آبادی شوند و رخنه تمام در آن ملک پیدا کنند تا اقتدار ولات اعراب بشکنند و تسلط عجم در آن ملک زیاد شود و الا هنوز در حکم ملک

عاریه است و این مخارج جزئی به هدر نخواهد رفت وجه اجاره مستغلات عاید دیوان اعلی خواهد شد و هکذا چنین بنایی لازم است در فلاحیه و در رام و هرمز و محمره بشود به همان دلیل هر گاه دولت بخواهد به مرور در عرض چند سال مالیات مبلغ چهل هزار تومان در این چهار محل مخارج آبادی نمایند می توان از روی یقین عرض نمود که به اضعاف مضاعف بالمال فایده خواهند برد تا کسبه و تجار و رعایای عجم در بلاد عربستان سکنا بگیرند و معاشرت و مراوده زیاد بنمایند دولت ابر مدت را تسلط تمام بر عربستان حاصل می شود.

نهم: تعمیر عمارت قور خانه و سرباز خانه در قلعه سلاسل شوشتر است سابق در این قلعه تمام مایحتاج حکومت را به خرج دیوان اعلی ساخته بودند از عمارات و توپخانه و قورخانه و سرباز خانه و حمام و غیره بتدریج اینها خراب شده و باقی نمانده جز یک دست عمارت برای حکومت عربستان و مکانی علی الحساب برای نظام موجود نیست سرباز و غیره سرگردان است بیشتر در چادر سکنا می گزینند تخمیناً بقدر دو سه هزار تومان اقل تعمیر لازم دارد.

دهم: همواره توپخانه و قورخانه و جمعی توفنگچی در سر حد محمره محیا و مضبوط بوده بتدریج قورخانه از میان رفته توپها خراب و مغشوش گشته ساخولی نیست جز اسماً پانصد نفر بلوچ و در چنین سر حدی در مقابل بصره و دولت عثمانی و چهارزات انگلیس تهیه معبری لازم است هکذا در حویزه و فلاحیه یک عراده توپ شکسته و چند نفر توپچی برهنه و گرسنه چیزی نیست در هر کدام تهیه معتبر از توپخانه و قورخانه و نظام ساخولی بقدری که اولیای دولت ابر مدت صلاح بدانند لازم است اعراب وحشی هستند مأمورین و سیاحان خارجه همیشه در آن حدود به هر اسم و رسم می گردند و مأمور مقیم از جانب دولت در هیچ کدام احدی نیست و حال آنکه لازم است در هر کدام یک نفر مأمور مخصوص از جانب دولت مقیم باشد و بلکه در امور حکومتی آن محل و در وصول مالیات شرکتی و مداخلتی داشته باشد و از هیچ نکته از امور سر حدیه غفلت نورزد ملک عربستان خیلی از ایران جدا شده و کنار افتاده است

دهم برای آباد شدن محمره به عقیده چاکر چاره نیست جز اذن فروش اراضی و املاک خالصه از قرار قباله به رعایای داخل ایران موافق نرخ میانی از قرار جریبی یک تومان الی سه تومان تا شش املاک بصره آباد شود کنون دولت عثمانی هر سال سیصد و پنجاه هزار تومان دخیل مالیات بر می دارد از حاصل نخلستانها و سایر اشجار و از محمره هیچ چیز یافت نمی شود جز نخلستانهای کهنه و بی قوت و پست با کمال استعداد و قابلیتش.

یازدهم: فقره بستن سد اهواز است مخارج بستن خود سد در همان محلی که سابق اختیار نمودند از قرار برآورد چاکر که با کمال دقت بوده و منتهای صرفه جویی را منظور نموده بطوریکه دیناری حیف و میل نشود از قرار تفصیل دیده است که در عرض سه سال ساخته شود.

– خلاصه حساب

اقل ساختن سد اهواز و تنقیه هر دو نهر طرفین سد یکصد و نه هزار تومان ساختن خود سد اهواز با سنگ

و آهک پنجاه هزار تومان تنقیه هر دو نهر بنا بر آنچه از قرار زراعی یکصد دینار به رسم انعام مرحمت شود و یک فوج سربازی که با جیره و مواجب مأمور فرمایند به استعانت یکهزار نفر اعراب و ایلات به آن صفحات که از همین قرار انعام بگیرند سی هزار تومان
مخارج متفرقه و تدارک و اسباب از قبیل بیل و کلنگ ده هزار تومان
ساختن پل در چهار محل ده هزار تومان
ساختن قلعه و مسجد و کارونسرا و بازارچه در اهواز پانزده هزار تومان
ولی ساختن سد اهواز تنها برای آباد نمودن ملک خوزستان کفایت نمی کند و اقلاً دو سد دیگر لازم است که به مرور ساخته شود یکی در بند قیر و دیگر در رود دزفول مخارج ساختن هر کدام به اقل مخارج از این قرار است:

- خلاصه حساب

صورت مخارج بستن سد بند قیر با آجر و آهک چهل هزار تومان
اصل سد پانزده هزار تومان
تنقیه یکهزار که به سمت فلاحیه قرار گرفته ذری یکصد دینار به رسم انعام پانصد نفر سرباز و پانصد نفر اعراب ایلات آنجا بیست و پنج هزار تومان
هر گاه سدی دیگر هم بخواهند در رود دزفول ساخته شود برای ملک شلمچه که منتهی می شود به اراضی کنار کرخه و حویزه اقلاً به همان مبلغ چهل هزار تومان می شود.

سیم در ملک بختیاری:

خاک عربستان مفروز شده است از مابقی ایران بجمالی عظیمه ممتنع العبور و جز بدو راه سخت اتصال و ارتباطی با عربستان ندارد یکی راه لرستان است و دیگر راه بختیاری و این هر دو خراب و مغشوش و بی اعتبار است بطوریکه قافله در هر سال یکی دو نوبت بیش نمیتواند عبور کند و آنهم نه تنها باید مترصد عبور سوار مأمورین دیوان شود و الا ممکن نیست سلامت بگذرد.
به این واسطه ملک وسیع مجهول القدر عربستان هنوز جزو ایران محسوب نمیشود و تمام تجارت آنجا به سمت بمبئی است و بصره و بغداد و بهیچوجه چشم داشتی بسمت عجم ندارند و علاج این نقص بزرگ بتعمیر و آباد نمودن آن دو راه است فقر راه لرستان محملاً بعرض رسید.
اما راه بختیاری از شوشتر تا اصفهان ده و پانزده منزل رسمی است که بهیچوجه آبادی و سکونت در آنها نیست و جز آب و بلوط چیزی بدست نمیآید.
در زمان سلاطین صفویه راههای خوب ساخته بودند و پل ها بنا نموده بودند بعضی قلعات بنا کرده بودند حالا جمیعاً خراب شده و بواسطه قطع عبور و مرور این که طایفه الوار بختیاری قدری جسور و مغرور شده اند علاج تمام معایب بساختن راه و رباطات و چند پل است.

بتدریج حسینقلیخان ایلخانی بمجرد حکم نه بصرف پول فی الجمله تعمیری از آن راه نموده و یکدو پل ساخته ولی بنای چند پل دیگر و تعمیر درستی از راه و ساختن منازل و نشاندن رعیت در آن منازل لازم است و از نتایج بزرگ این کار استیلای تمام است بر سه طایفه اعراب و بختیاری و الوار و مخارج ساختن پنج و شش رباط اقلأ بیست هزار تومان است و تعمیر راه و ساختن پلها برآورد ثانوی لازم دارد تا از روی وقت بعرض حضور مبارک برسد.

ولی در این مورد بیشتر حکم لازم است نه پول ممکن است بمجرد حکم نافذ دیوان ائیل بیکی بختیاری با اجزاء خود از عهده انجام این امور برآید بی آنکه دیناری خسارت بدیوان اعلی وارد آید خاتمه امور این فقره مهمه است که اولیای دولت ابر مدت حکم محکمی صادر فرمایند و قدغن بلیغ نمایند که اولأ فروش اسب بعنوان تجارت برای حمل و نقل بخارج و بنادر بوشهر و محمره و سایر سرحدات بسمت بمبئی موقوف و منسوخ شود چرا که عنقریب دیگر اسبی در میان ایلات سر حدیه دولت ابر مدت باقی نخواهد ماند و دولت عثمانی این نکته را در ملک عربستان خود ملتفت شده همچنان قدغن سختی در اینباب نموده و حالا از اطراف ریخته اند بمیان ایلات ایران و هر سال تعداد بی شمار میخرند و بخارج حمل میکنند و چون در سر حد گمرک قلیلی میدهند احدی مانع نمی‌شود.

ثانیاً فروش اسباب آلات و صنایع قدیمه که آنتیک می گویند بخارجه قدغن شود چرا که از آثار قدیمه چیزی دیگر باقی نگذاشته اند و حالا پرداخته اند بکاشی های معرق امامزاده ها و مساجد و مصلی ها که در بعضی جاها قدیمأ ساخته و بهر تدبیر باشد میدزدند و میخرند و میبرند و چاکر در این سفر سیر این فقره را خیلی نمود.

ثالثاً حکم محکمی نیز شرف صدور یابد که در ابنیه و عمارت قدیمه آنچه باشد در هر محل از بلاد ممالک محرومند ایران حکومت با کمال مواظبت حفظ و نگهداری نمایند و نگذارند اقلأ دستی خراب کنند به طمع جزئی مصالحش که در جائی دیگر عمارت جدیدی به سر پا شود هر عمارت قدیم که صنعتی در او بکار رفته باشد امروز در تمام عالم کمال شأن و احترام را دارد و مانند پارچه جواهر گرانبهائی او را حفظ میکنند و السلام فی بیست و ششم شهر ذی حجه الحرام ۱۲۹۹ چاکر خانه زاد عبدالغفار.

کتاب مختصر بیهدادت رابع برین
 ولگردستان آن صادم الدوله وقف
 کاتبانه در سه مرتبه اصلاح منقد
 بسم الله الرحمن الرحیم
 علی مرتضی الدوله
 در کتاب کارنامه حضرت تبرک در ولایات آن درین بیان
 هرگاه در سیرت ابرهه صلی الله علیه و آله در جگر همه را چشم می رسیده
 منون زرقوله تفسیر زینت منون شرحی که در هر کتابی که بر آرد و غیره
 چاپی ملک نیرید
 ۲۸۷۲
 ۶۷۴
 در رستان چهار کاره مختصرت
 حضرت علی محشمه بر اوردن رودخانه زال مسیح نهر زمان
 این رودخانه در اوقات کم آبی سرسبز است که در خلیه هزاره مسیح وقت است
 هدایت آن در اوقات سیدق و شرف چهار بیدار است تا غنچه در
 سفر تفسیر به وقت عبور آب میرد

دوم
 خشنی بر روی رودخانه بدرود بسنج نهر زلفان اینجاست
 در حکم پیر زان است
 تیم خشن قلمه صمدیه که قیرم تنها شهر و آبر لونه لفظه معتبر است بر حفظ آستان فرج
 قلمه آفتاب نجر زلفان میشود و با نوبه هفت در کمان آستان دست خردم در دست سبزه
 منفتح خردم در باب آبر زلفان خردم کردیم

چهارم
 از خردم آبر، در قول شش هفت منزل است و بسجوه در عرض راه
 آبر چهارمین است هر قلمه و سوم در اولین بخردم از این راه عبور کند چاره
 تمام با تاج خردم آبره غول به بر دحر کاه و آرد و یک سب عمده اعلاش راه
 آستان هفتم است چنانکه این راه صلح است پنج و شش راه محقق
 در عرض راه بسنج ده و پانزده منزل زلفان دور آستان هفت منزل که در
 کمنه و قلمه کاه در زمانه دشته شده بار سرد آستان، آبر بر هفت راه
 دضاک خردم شود

محمد کا دعوت بن زریں در است

اول تیمیر پ عظیم زرفروست که زیاده از نصیب نزارقان خارج است شکرگاه
خواب آبان در در آیه بعد نطق شود و معجب و پ نزارقان خارج تیمیر دارد
زرفروست سنگها بر نه طرف باها و بند کشر و فتن جان نپاه در فتن
دست فرش در سبب غیره

دوم تیمیر پ عظیم شوشتر که در حکم پ زرفروست و در زین سال
در چشمه نصف خراب شد تیمیر است و بر هم دارد همه حبه قند نزارقان
و در خراج زر لوزم است اگر تا خیر فته تمام چشمه خراب شود در له عبور نطق
خجرت زیاده بود با و در در خوابه آید و عدله بر پ زربل مبرور بود
دیر در شوشتر از قریم بود و در خراج در در نه لشکر کسبت هم در لوزم در راه
میاناب نیز هر پش را بی شاه با کونید و ویر لشکر که در در نه چشمه است

پنج ششمه اش خراب است چنانچه بنام دولت مرحوم ششمه لهرده و دیگر مخرج دولت
 آورده که در آن ضمه از آن نموده هر چه در خراب است قدس معین هر چه در آن میورد
 هم رفتن است خلافت شریعت مسلح منور آن دار ضمه شود مرغ
 میان آب بمصرف دبا بر خورند و حاصل این پنج است مفتخر زرتان است
 هایت است با عاید در آن میورد بنا به هر چه قبل بنامه بودند که در
 کعب خراب است باید از نو ساخت مرحوم محمد علی میرزا در این حرف نموده
 بر در صبر نموده پنج منبر

چهارم تمام شد نهم نیز ما شدم مسلح منور زرتان تا حالا در
 مکتب زرتان است چنانچه بنام ششمه ناقص بنامه چند بنامه است
 بر و دوازده ضمه از آن است آب لوله بهر میورد و در دیشود و خط
 و دبا میبازد هایت ملک حوزیه حالا است زرتان است
 هر گاه این سه ضمه شود از روی یقین چنین میباید عرض نمود

که سبب است در این تقدیر که هزار تومان ضافه خودم شش و هفتاد و سه سیر که شتر
 قابلیت میسر هزار تومان ضافه هم خودم شش
 با تمام این سند ملک حوزیه جدید در آن کمره از امروز نسبت چنانچه است
 آن ملک بقیه حوزیه قریب به مصلحت هزار تومان است
 ختم ختن قعه در آن رودخانه نزدیک این ارضه برابر سکنه اینجانب عمودانه
 البتة قدره و سوره بار شهر در تمام این سرزمین عثمانی در همه در زنده و شرار و شمشیر
 خود را نیز نزد باب ارضه بیاید در این قسمت قمر عثمانی نموده جمعیت میکنند
 و بدین واسطه حکم سرحد کولان ارضه خلع نمیشود در این ختن مصلحت
 چهار و پنجاه هزار تومان خلع بقیه با آن در چهارمات سرحد خودم فرزند این کار در تمام
 کرده این در است صلاح باشد عده برت باطله نیز غایتش هدایت
 این سند در تصرف عثمانی فرقه سابق در این قسمت ارضه مانده

پیام بهارستان / ۲۵، س. ۲، ش. ۶ / زمستان ۱۳۸۸

و با نرزه فرسخ مستقر بود با برین و حالاً تا آرا این نبر لازم عثمانی تصرف نکرده
 قبضات و تصرفات در تبعه است در نهایت شکست و حالاً با برین آن در هیچ اوقات
 حکومت بغداد با امور فرسایت از تعمیر و تفریح نماید و تفریح تصرف میشود و با برین
 ششم سخن بند جراحی است در کمال فدیهِ مسعود که هر زمان از فرود آید
 قهر و فشار است نسبتاً قدس که هر زمان در نیم خشک شدن مردوب عظیم
 فدیجه است در هر چهار فرسخ مربع در حال باغ طبعی در کمال و محصور است
 در مردم شیر فدیجه و بعد از خشک شدن این مردوب تمام این جمله قابر است
 ششگونی میزد با همان آب جراحی در یک فدیجه غنی با خود هر دم در شش
 طبعی میشود
 پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 بنفتم حکم حکم از روی است که تمام علوم انسانی را در هر یک از اینها
 بیست آب کالونی در طول پنج و شش فرسخ بیندازد و تعمیر کند تا آب
 نسیفته و این کار بهیچ عمارت نرزد همان عمارت و عمارت فدیجه باید بسازد

این گفته ام زیرا میباید که در این باب و بازنشانی راه محمد و خدیجه

اشتم ^{علا} سخن بیاید تمام یک که در این باب و چند باب دیگر است در بدو حوزیه
 مسیح که مرز در آن تا به راجع برینند در اینها سخن بفریند و با بنویسد سبب آنگاه نشوند
 در چند تمام در آن ملک که است تا همه در ولات هر یک که است در تمام
 در آن ملک را که شود و داد منور در حکم ملک عاریت و این خارج جزای
 بهر بخورد فرست وجهی به استقلات عاید در این که خود هم در این چنین
 بنای لازم است در فلاحیه و در اولم دهن فرود در محرمه شود بهمان دلیل

هرگاه دولت بخواهد برادر در عرض چند سال ثبات است سعادت بر توفیق در این
 چهارم خارج آنگاه بنامه میباید از در لقا عن عرض نمود در صفت عفت
 به این فایده خوانند بود تا که در کار خود را در عید و در آن سخن نموده
 در ساخت و در آورده زباید و گماهی در است بهر است را است تمام بر عین صحت
 تمام تعمیر هم است در خانه و در بار خانه در آنچه سکال بر نشسته است
 تمام تمام حکومت را بخرج دولت با خسته بود در عمارت و در آنچه در عین

در این خانه حمام غیر بدرج آنها حراب شده و آن خانه جو نیست عمارت بر حوض
عزت و تقالیه بکباب در نظام موجود نیست بر باز غیره سرکوب است چه در
کنایه غیره تحقیق بقدر در راهان قده تعمیر لازم دارد

دوم همدره در خانه و در خانه و غیره تعمیر در هر دو محرمه میا بضوط بود
در خانه درین رفته در آنها حراب بنشیند کشته خورنیست غیر است
پنجمه نفر بلوچ در حین تعمیر در تمام لصره در اول عثمانی چهارت
آیه معتبره است لهذا در جزیره و فدیه در غیره در آب شکه چند نفر
در بچر برهنه در آنه جز نیست در هر کدام آیه معتبره در خانه و در خانه نظام
خود بقدر در راهان اصلاح میانه لازم است

حراب حشر شده ما نیز در حال خارجه همیشه در آن حدود بهر اسم در رسم
دوسر تعمیر از جانب دولت در اسم که در صورتی در حال کنه لازم است در هر
کنیفه ما در مخصوص از جانب دولت تعمیر بنام و بجه در هر صورت آن تعمیر در اصول
باید شرکت در تعمیر و بهر شانه در این مسئله از هر سرحدیه عقیده نیندود ملک در این

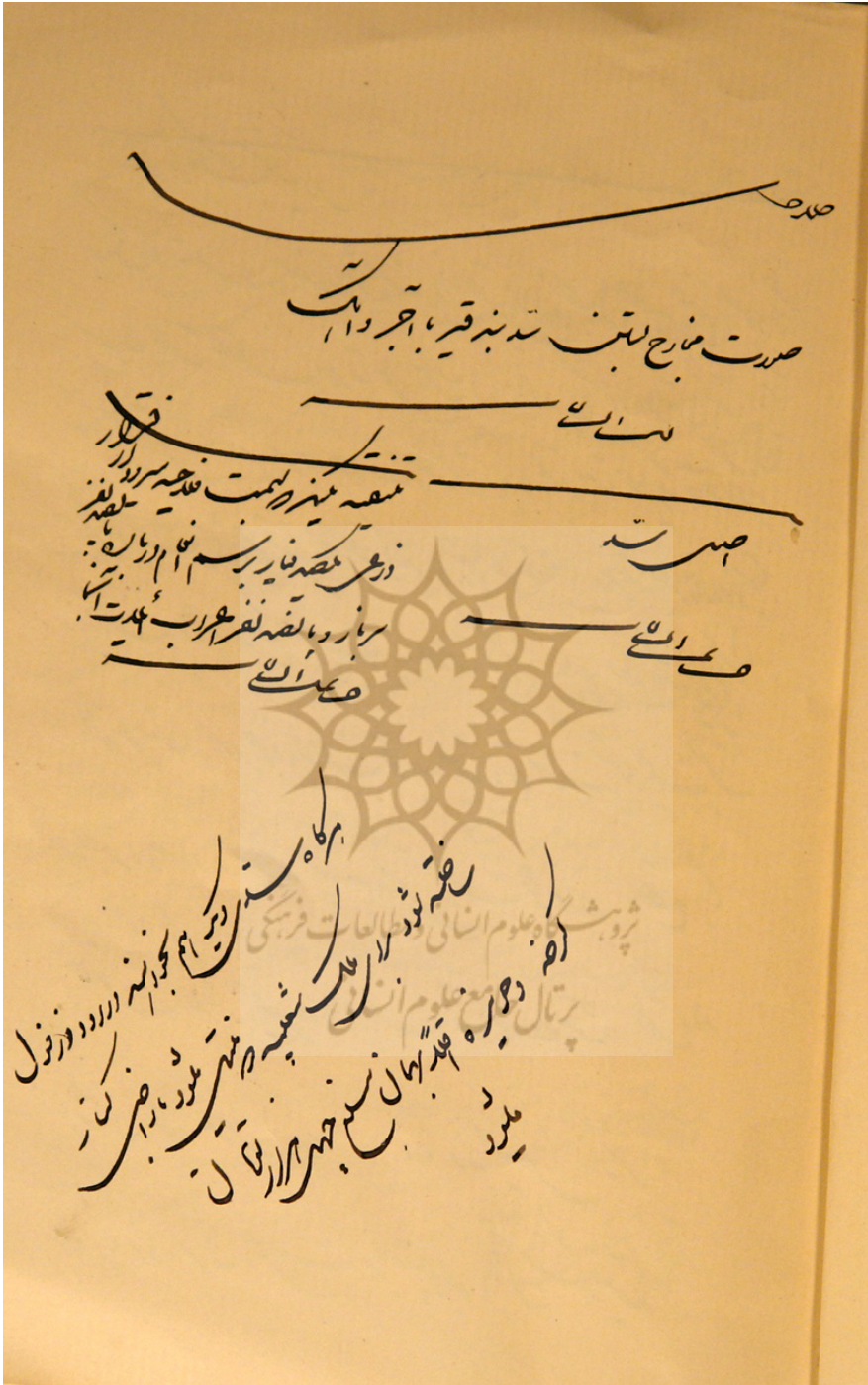
لذایف جدا شده کن ز فاده
 دهم برابر آئین محمد معقیه کار جان نیر خرد ازین فرزند
 و هلاک لطفه از قلوبه بر ما خیمه ایان مرفت زخ زین زار و در میان
 الا تان تا مشرک بصره باشد کونش هر عقالی بهر سینه سینه تان در آن
 و خدایات بر میراد از صحنه نماند بر شما در درخت بهم خیر نیست جز
 تنه نماند در وقت و است کجای بهمداد و قلم
 ناز دهم فقره است بهداریت خارج لبین خوردند در این
 خیر و نفع از قردار بر آرد و کجای وقت بهم و ما صرفه جوئی منظور
 و ناز حرفیه میز نمود از قردار تصفیست در عرض ملک خفته بود
 صد
 قر نعتن ته بهداریت و نفعه هر دو نه طرفین ته

معه الک
 ختن خود ته هموار باشد و این
 عتیقه هر دو هنر بنا بر نه در فرار در عصر
 رسم نام حرکت بود و این نوع سرانته
 چهره در جاب ماورد فرینه بهتر است
 هموار و غیر هموار و عدت تصفیه از لای
 بهترین قملار نام بریزد

معه الک
 مخرج مشرقه در لایک و باب از پیش
 ختن پر در چهار حشر
 مخرج مشرقه در لایک و باب از پیش

معه الک
 ختن منته رسیده و کار در لایک و باب از پیش
 مخرج مشرقه در لایک و باب از پیش

معه الک
 در ختن ته هموار تنها در لایک و باب از پیش
 در لایک و باب از پیش در ختن ته هموار تنها در لایک و باب از پیش
 هر که در مخرج از نقره است



بسم در ملک بیکار

خاک حوت بن سفروز شربت زرا بقصران بحال عظیمه تمنع لحدود خیر
 بر دره سخت لطف و در با طر حوت بن نرزدو حیا را در آن است و در
 در ملک بیکار درین هر دو خراب نمیشود و در آن است بطریقه قافه در
 کدورت پیش نمیشود و در آن نه تنها باید سرحد عبور برود و در
 درین شود و در تمنع نیست لکن در آن نیز فایده و لطف است و در
 بهتر عربان بنهند جزو اولین محراب نمیشود و تمام تجارت آنها نسبت
 و بصره و بغداد و سایر جوامع در آن است نسبت محراب نرزدو و در
 نقص بزرگ است و در آن نمیشود و در آن است آن حمار است فقره
 رت آن محراب مریض است و در آن ملک بیکار در آن است و در
 ده در پانزده نزل است و در آن است و در آن است و در آن است

پیام بهارستان / ۲۰، س. ۲، ش. ۶ / زمستان ۱۳۸۸

نیت و بجز آب و بوط خیر است نیت در زمان طغیان صفیه
 راهها عرب خسته بودند پس با نازده بودند بعضی قسبات سر با کرده بودند
 حاجت جمعاً خوب شد و بواسطه قطع عمود و مردد این در طغیان ابدار در مرار
 حدود و غیره شمرند عید تمام میسر و سخن را در مایهات خیر است
 تبرک مستعدان نماند بجز حکم نه بصرف پول و محبتی در آن
 راه نمرده و بعد در خسته و با نازده بودند و تمیز در نزل و سخن
 نازل شد نیدن رعیت در آن نماند لایم است و در تاج نزل است
 استیلا تمام است بر شطرنج هر اب و نیکو در دالدار و مخرج سخن
 بنام شریک و جادو است ماست مرزگان است و تمیز را در سخن بها

برآورد تا نور لادم دود تا از دور وقت مبصر حضور ملک رسد
 دل در این مورد پخته حکم لادم نه بول کسب است بخرد حکم نافه دیوان
 تا این سبب بخیرین با جزاء خود از غمسه تمام اینها مورد برآید به این
 دنیا خیرات برآید تا دلدرد که خانه امیر شفقده است
 در این صورت بهر حکم مکر صدارت فریاد و غیره منع نماید در اول
 فردی این معنی است که بر او هر وقت که خارج در بازار کرد
 و یا در صورت لبمت بستر معروف و منوع شود حواله
 در این صورت هدایت بر صمیمیت و کمال بهر است با آن مخلوق نام در دست
 عملی این نکته را در ملک عین خود متفق شد همچنان
 غمزه در این باب معصومانه در طرف نخته که میان هدایت

در این تکرار به شمار میخیزد بنام حکمت و چون در هر حکم
قیح میبندد هر مانع نمیشود

نایب فرزند سبب بدلات ضایع قریه که تکیه میکند بر کوه
چو از زار قریه خبر دید با ۲۰ نفر کشته رحله در قریه نه بشارت
ام زاده ما سجد بصر ما در بصر جان قریه خسته و بهر بر
سوزند و میخیزند در چو در این سفر سیرای فقره بویح

پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
تألیف حکم همسر نیز ترفیع صدر زبانی در در بنیه و عمارت
همچنین در هر شهر در زنده است محروم به یون صد است
در خطیب حفظ و قلم در زبانی و در زنده قلم در خراب